

Women and the City: A Sociological Study of Haftkel Women's Feeling of Security

Ali Arabi^{1*}, Mina Atashi²

1. Assistant Professor of Sociology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran (Corresponding Author); a.arabi@scu.ac.ir
2. Graduate Student in Sociology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran; atashim924@gmail.com

Original Article

Abstract

Background and Aim: The change of structures and culture is a continuous process in all societies throughout history, and as a result, it is necessary to study sociological variables with continuous monitoring of society for social policies. In the last century, one of the fundamental changes was the redefinition of the identity of women and their widespread presence in the public arena of society. Therefore, it is necessary to investigate and study women's sense of security as a variable affecting the quantity and quality of their activism in society.

Methods and Data: The present study was conducted through the social survey method. The required data were collected from 376 women aged 15 to 65 living in Haftkal, who were selected through multi-stage cluster sampling using a questionnaire.

Findings: The variables of education, marital status, ethnicity, and economic status had a statistically significant relationship with the sense of security of Haftkel women. In this regard, women with diploma education, married, Lur ethnicity and middle class are reported to have the highest sense of security. Also, the findings indicated that the perception of social vulnerability had a significant and reverse relationship with the sense of security, while women's positive perception of social controls significantly increases their sense of security.

Conclusion: A very important point that is highlighted in this study from a sociological point of view is the necessity of overcoming women's feeling of insecurity as an individual problem and raising it to the level of a social issue.

Keywords: Women, Feeling of security, Social vulnerability, Social control.

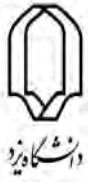
Key Message: The results remind us of the necessity of designing and implementing research on a wider scale and paying special attention to ways to improve women's sense of security in social policies.

Received: 19 May 2022

Accepted: 27 June 2022

Citation: Arabi, A., Atashi, M. (2022). Women and the City: A Sociological Study of Haftkel Women's Feeling of Security. *Journal of Social Continuity and Change*, 1(2): 347-362. <https://doi.org/10.22034/jscc.2022.2794>





زنان و شهر: بررسی جامعه‌شناختی پایداری احساس امنیت زنان در شهر هفتکل

علی عربی^۱، مینا آتشی^۲

۱- استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول): a.arabi@scu.ac.ir
۲- دانش‌آموخته کارشناسی جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران: atashim924@gmail.com

مقاله پژوهشی

چکیده

زمینه و هدف: تغییر ساختارها و فرهنگ، فرایندی پیوسته در تمامی جوامع در طول تاریخ می‌باشد و به تبع آن ضرورت دارد تا با پایش مستمر جامعه وضعیت متغیرهای جامعه‌شناختی را جهت سیاست‌گذاری‌های اجتماعی با دقت مورد مطالعه قرار داد. یکی از تغییرات بنیادین در قرن اخیر حضور گسترده بازتعریف هویت زنانگی و حضور گسترده ایشان در عرصه عمومی جامعه است. از این رو ضرورت دارد تا احساس امنیت زنان به عنوان متغیری تأثیرگذار بر کمیت و کیفیت کنشگری ایشان در جامعه مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

روش و داده‌ها: در پژوهش حاضر با استفاده از روش پیمایش اجتماعی و با ابزار پرسشنامه و نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، داده‌های مورد نیاز از ۳۷۶ زن در سنین ۱۵ تا ۶۵ سال ساکن هفتکل جمع‌آوری شدند.

یافته‌ها: احساس امنیت زنان هفتکل با متغیرهای تحصیلات، وضعیت تأهل، قومیت، و وضعیت اقتصادی رابطه معناداری به لحاظ آماری داشته‌اند. در ارتباط با این متغیرها به ترتیب زنان با تحصیلات دیپلم، متاهل، لر و طبقه متوسط بیشترین احساس امنیت را گزارش نموده‌اند. همچنین یافته‌ها حاکی از آن بود که درک از آسیب‌پذیری اجتماعی رابطه معنادار و معکوسی با احساس امنیت دارد در حالی که ادراک مثبت زنان از کنترل‌های اجتماعی به شکل معناداری سبب افزایش احساس امنیت در ایشان می‌شود.

نتیجه‌گیری: نکته بسیار مهمی که در این مطالعه به لحاظ جامعه‌شناختی برجسته می‌شود، ضرورت عبور از احساس ناامنی زنان به عنوان یک مشکل فردی و ارتقاء آن به سطح یک مسئله اجتماعی است.

واژگان کلیدی: زنان، احساس امنیت، آسیب‌پذیری اجتماعی، کنترل اجتماعی، هفتکل

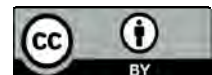
پیام اصلی: نتایج، ضرورت طراحی و اجرای پژوهش در مقیاس گسترده‌تر و توجه ویژه به راهکارهای ارتقاء احساس امنیت زنان در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی را یادآور می‌شود.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۹

ارجاع: عربی، علی؛ آتشی، مینا (۱۴۰۱). زنان و شهر: بررسی جامعه‌شناختی تداوم احساس امنیت زنان در شهر هفتکل، *تداوم و تغییر اجتماعی*، (۲): ۳۴۷-۳۶۲.

<https://doi.org/10.22034/jscc.2022.2794>



مقدمه و بیان مسأله

در زندگی اجتماعی بشر به ویژه در عصر کنونی، تهدیدکنندگان امنیت انسان قابل تقلیل به عوامل طبیعی نیستند و شرایط اقتصادی، اجتماعی و حتی افراد در جامعه می‌توانند عاملی در ایجاد ناامنی باشند. بر ساخت چنین نگرشی را می‌توان زمینه‌ساز به وجود آمدن نوع جدیدی از امنیت به نام احساس امنیت اجتماعی تلقی نمود (مایانی، ۱۳۹۷: ۲). امنیت اجتماعی در سال‌های اخیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است تا آنجا که حس امنیت به مثابه یک آرمان به عنوان یکی از حقوق اساسی مردم تلقی می‌شود که ضرورتی غیر قابل انکار برای داشتن جامعه‌ای سالم به عنوان بستر توسعه و شکوفایی کشورهاست (بخشنده‌زحمتی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۶).

احساس امنیت یکی از شاخص‌های سنجش میزان رفاه افراد جامعه است. با این حال، احساس امنیت را نمی‌توان معادل وجود امنیت دانست؛ ممکن است در جامعه‌ای امنیت وجود داشته باشد اما مردم احساس امنیت نداشته باشند و برعکس (زارعان و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۱۶). در این ارتباط، هادزیبسیکی (۲۰۱۸) مطالعاتی در حوزه روان‌شناسی امنیت شخصی، به روش کتابخانه‌ای و تکنیک مطالعه اسنادی انجام داده است. بر اساس پژوهش هادزیبسیکی و مبتنی بر دیدگاه روان‌شناسی، امنیت شخصی حالتی ذهنی و داشتن احساس امنیت نتیجه پردازش عاطفی و شناختی است. همچنین برخی از اختلالات روان‌شناختی نیز می‌توانند منجر به احساس خطر شوند.

بنابراین همچنان که ذکر شد، احساس امنیت مقوله‌ای نسبی و اهمیت آن برای گروه‌های مختلف جامعه مانند کودکان، جوانان، زنان، مردان و ... متفاوت است. در این پژوهش، زنان به عنوان نیمی از افراد جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ زیرا نقش زنان در گذشته بیشتر به محیط خانه محدود می‌شد، اما به علت رشد فرهنگ، آموزش و ایجاد فرصت‌های شغلی برای این قشر، آنان توانستند نقش‌های متنوع و گسترده‌تری در جامعه ایفا کنند. اما باید اذعان داشت، نبود شرایط مناسب در بستر جامعه، زمینه‌ساز آسیب‌های جدی برای زنان گردید. شاید در برخی جوامع، امنیت لازم برای حضور و فعالیت زنان در اجتماع برقرار شده باشد اما عدم احساس امنیت یکی از اصلی‌ترین مشکلات زنان و سبب کم‌رنگ شدن فعالیت آنان در جامعه می‌شود (صیدی و قاسم‌نژاد، ۱۳۹۹: ۲۰۰).

در واقع، باید گفت احساس امنیت تنظیم‌کننده رفتار اجتماعی ما به ویژه در عرصه عمومی است. درک وجود امنیت در سطح خرد، موجب بالندگی فردی احاد اقشار مردم و در سطح کلان، زمینه‌ساز توسعه است. از این رو است که ویور^۱ اهمیت و جایگاه امنیت اجتماعی را در سطح امنیت ملی تعریف می‌کند (صالحی، ۱۳۹۶: ۶)؛ اما در ارتباط با زنان باید بر این نکته نیز تأکید داشته باشیم که ته‌نشست‌های نظام پدرسالارانه جاری در اکثر جوامع به ویژه جامعه‌های در حال توسعه، با ایجاد ممانعت‌های ساختاری برای طرح نیاز به این قشر و ممانعت از ابراز وجود آنان و همچنین جرم‌انگاری ایشان در مواردی چون تجاوز، عدم احساس امنیت اکتسابی را به زنان تحمیل می‌کند. این وضعیت آنچنان است که می‌توان گفت تمامی زنان دنیا، به نوعی با این فضای نامساعد آشنایی دارند و اکثراً آن را تجربه کرده‌اند (همت، ۱۳۹۱: ۹).

زنان با برعهده‌داشتن نقش‌های کلیدی در نهاد خانواده مانند همسررداری، تربیت فرزندان، مدیریت خانه و نقش‌های سیاسی و اجتماعی که در جامعه دارند، با نابرابری‌های طبقاتی، قومی، جنسی و نژادی نیز در حال جنگیدن‌اند (شبابی و صفوی، ۱۳۹۸: ۶۰). این واقعیت در کنار بی‌اعتنایی و حمایت اجتماعی کم‌رنگ دولت‌ها زمینه‌ساز شرایطی است که احساس ناامنی را برای آنان نسبت به مردان دوچندان می‌نماید. در میان اندک پیمایش‌های ملی انجام شده، بر اساس یافته‌های پژوهشی که توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی در سال ۱۳۹۶ صورت پذیرفته است، استان‌های خوزستان، اصفهان و خراسان جنوبی، در ارتباط با فضای اجتماعی زنان به عنوان ناامن‌ترین

¹. Weaver.O

استان‌های کشور انتخاب شدند؛ در این تحقیق مردم استان خوزستان کمترین احساس امنیت را گزارش کرده بودند (مشرق‌نیوز، ۴ اسفند ۱۳۹۷).

در پژوهش حاضر، شهرستان هفتکل دومین شهر نفت‌خیز خاورمیانه که نقش مؤثری بر اقتصاد ایران دارد، به عنوان جامعه آماری انتخاب شده است؛ موقعیت اقتصادی هفتکل سبب شده تا در دهه‌های اخیر جمعیت شهر تحرک اجتماعی بالایی را تجربه نماید که منجر به تغییر ساخت جمعیت در این شهر شده است. از سوی دیگر، تغییر ساختار معماری شهر مبتنی بر بیش از یک دهه ورود جمعیت‌های جویای شغل و همچنین مهاجرت‌های متأثر از خشکسالی سبب شده است تا سیمای فرهنگی شهر نیز با سرعت بیشتری همراه با تغییرات ساختار جمعیتی دست‌خوش تحولات محسوس گردد. چنین تغییراتی سبب درک احساس ناامنی در تجربه زیسته بسیاری از زنان شده است که امنیت را در بستری از جامعه‌ای سنتی، مبتنی بر همگونی اجتماعی تجربه می‌کردند. همچنین لازم به ذکر است که تا کنون مطالعه‌ای در ارتباط با سنجش احساس امنیت زنان در شهرستان هفتکل انجام نشده و چشم‌انداز روشنی از وضعیت احساس ناامنی و عوامل مؤثر بر آن وجود ندارد. از این رو، فقر محسوس پژوهش‌ها و تحقیقات علمی در این زمینه، در کنار موارد ذکر شده پیشین، بیانگر اهمیت موضوع و ضرورت بررسی علمی آن است.

مرور ادبیات تجربی

بخشنده و همکاران (۱۳۹۹)، در تحقیق خود به بررسی احساس امنیت زنان در شهر تهران پرداختند. در این مطالعه، ۸۰۰ نفر از زنان مناطق (۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۲)، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که احساس امنیت زنان در کل و در چهار بُعد ذکر شده در مناطق شمالی شهر بیشتر از زنان مناطق جنوبی در شهر تهران بود. محققان در نتیجه‌گیری کلی عنوان کرده بودند که امنیت زنان در شهر تهران از وضعیت بهینه‌ای برخوردار نیست. از نظر این محققان، فضای شهری و عوامل افزایشدهنده و کاهشدهنده امنیت و تهدیدات آن بر نحوه نگرش زنان بر مقوله امنیت اثر قابل توجهی دارد. بنابراین، برای ایجاد تغییرات در احساس امنیت زنان، باید راهبردهای متفاوتی از سوی مسئولین و متولیان امنیت در نظر گرفته شود.

صیدی و قاسم‌نژاد (۱۳۹۹) با تأکید بر این نکته که امنیت مقوله‌ای کلیدی در محافل پژوهشی حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است به بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر احساس امنیت زنان شهر ایلام با نمونه‌ای شامل ۳۸۲ نفر از زنان ۱۵ تا ۶۵ ساله پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق حاکی از آن بوده است که متغیرهای اعتماد اجتماعی، عملکرد پلیس، موقعیت اجتماعی-اقتصادی و حمایت اجتماعی، با امنیت اجتماعی رابطه معناداری دارند؛ از این رو، محققان عنوان کرده‌اند که برای تقویت احساس امنیت اجتماعی زنان، باید به مؤلفه‌هایی مانند حمایت‌های اجتماعی همه‌جانبه از زنان، حضور و دقت عمل بیشتر از سوی دستگاه انتظامی و مهم‌تر از همه، توسعه اعتماد زنان به اجتماع را در سیاست‌گذاری‌ها مدنظر قرار داد.

قاسملو و همکاران (۱۳۹۹) با برجسته‌کردن اهمیت مشارکت هدفمند آحاد مردم به ویژه زنان در راستای دستیابی به توسعه پایدار روستایی، به مطالعه احساس امنیت در میان زنان دهستان خرقان غربی واقع در شهرستان آوج پرداخته‌اند. در این پژوهش که به شیوه پیمایش انجام شده است، داده‌های مورد نیاز از نمونه‌ای شامل ۱۸۲ خانوار جامعه هدف جمع‌آوری شد. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار لیزرل حاکی از آن بود که اکثر مؤلفه‌های مورد استفاده برای سنجش احساس امنیت در جامعه آماری مطالعه در سطح متوسط رو به پایین قرار داشته‌اند. در بیانی توصیفی می‌توان گفت زنان ساکن در منطقه، احساس امنیت مطلوبی ندارند. نگاهی به نتایج آزمون مدل نیز حاکی از آن بود که مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در عدم احساس امنیت زنان در جامعه آماری مورد مطالعه به ترتیب عبارت بودند از: عوامل اجتماعی با ضریب ۰/۹۹، عوامل فرهنگی با ضریب ۰/۸۲ و عوامل اقتصادی با ضریب ۰/۸۱.

حیدری ساربان و صائب (۱۳۹۸)، در تحقیقی با عنوان «تبیین رابطه عدالت اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی ساکنان مناطق روستایی شهرستان اردبیل» به بررسی رابطه بین حکمروایی خوب و احساس امنیت اجتماعی پرداختند؛ این تحقیق با استفاده از روش پیمایشی؛ شامل ۳۸۳ نفر از ساکنان مناطق روستایی شهرستان اردبیل و ابزار پرسش‌نامه و مصاحبه بود؛ نتایج این پژوهش نشان داد که رابطه معناداری بین متغیرهای دسترسی به منابع، حکمروایی خوب، رفاه اقتصادی، عدالت اقتصادی، رشد شخصیت فردی، نبود تبعیض‌های اجتماعی، دسترسی به خدمات اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی وجود دارد.

دسترنج و قنبری (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی وضعیت احساس امنیت اجتماعی و عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر آن در بین جوانان شهر لار» با روش کمی به شیوه پیمایشی، ابزار پرسش‌نامه و حجم نمونه ۳۰۰ نفر از جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر لار به نتایج زیر دست یافتند: ۱۴/۷ درصد جوانان شهر لار دارای احساس امنیت اجتماعی کم، ۶۸ درصد در سطح متوسط و ۱۷/۳ درصد دارای امنیت بالا بوده‌اند؛ همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که میزان امنیت اجتماعی در بین زنان کمتر از مردان بوده است.

حسینی نصرآبادی و ناروقه (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تبیین و تحلیل افزایش امنیت اجتماعی در پرتو بکارگیری سیستم نظارت هوشمند» که به روش توصیفی-پیمایشی با ابزار پرسش‌نامه و حجم نمونه ۱۱۰ نفر در شهر تهران صورت گرفت، به این نتیجه رسیده‌اند که افزایش نظارت و کنترل، سبب افزایش احساس امنیت در مردم می‌شود.

میکالین سر و آر شاور (۲۰۲۰) پژوهشی با عنوان «تقویت چرخه گسترش و ساخت امنیت پیوست در بزرگسالی: از آزمایشگاه گرفته تا زمینه‌های رابطه‌ای و سیستم‌های اجتماعی» به روش کتابخانه‌ای و تکنیک مطالعه اسنادی، انجام داده‌اند. این تحقیق به اثبات نظریه دلبستگی و تأثیر همدلی و حمایت بر کیفیت زندگی افراد می‌پردازد. بر اساس این پژوهش، محبت و همراهی دیگران سبب افزایش حس امنیت، اعتماد به نفس، عزت نفس، خودباوری و قدرت حل مسائل و مشکلات می‌شود.

لوکایتو-سیدریس و فینک (۲۰۰۹) در تحقیق خود به مطالعه میزان امنیت آژانس‌های حمل‌ونقل ایالات متحده برای زنان پرداخته‌اند. این پژوهش به روش پیمایشی و نظرسنجی مبتنی بر وب با استفاده از ابزار پرسش‌نامه در ۲۴۵ آژانس حمل‌ونقل ایالات متحده آمریکا انجام گرفته است. بر اساس این تحقیق، وجود سیستم آدرس عمومی، دوربین مداربسته، استراژی‌های پلیس (افسران با لباس فرم)، دکمه‌های هراس و ... باعث افزایش احساس امنیت زنان در اتوبوس‌ها، قطارها و به طور کلی وسایل حمل‌ونقل عمومی می‌شود. یافته‌های

این تحقیق بیان می‌کند که استراتژی‌های آژانس‌های حمل‌ونقل فاصله قابل تأملی با استانداردهای لازم جهت ایجاد احساس امنیت در میان مسافران زن را دارا هستند.

نگاهی به پژوهش‌های انجام شده حاکی از این واقعیت است که احساس امنیت به ویژه در میان زنان در سطح متوسط و پایین قرار دارد و متأثر از متغیرهای کالبدی و اجتماعی می‌باشد. با توجه به رابطه معنادار احساس امنیت در زنان با متغیرهایی چون اعتماد اجتماعی، حمایت اجتماعی و احساس نابرابری که متأثر از احساس آسیب‌پذیری زنان است، احساس امنیت می‌تواند تحت تأثیر تغییرات کالبدی و جمعیت شهر تشدید گردد. بنابراین، توجه ویژه به متغیرهای جمعیت‌شناختی و فشارهای هنجاری جامعه، درک زنان از وجود کنترل‌های اجتماعی و همچنین وضعیت اقتصادی ایشان، فاکتورهایی است که در این پژوهش به مذاقه گذاشته می‌شود و تمامی آنها از اهمیت بالایی در پایش احساس امنیت زنان برخوردار است.

مبانی نظری

مقوله امنیت، مفهومی پیچیده‌ای است که ابعاد گوناگونی مانند داخلی، خارجی، ملی، منطقه‌ای و ... را شامل می‌شود. همچنین امنیت را می‌توان از دیدگاه‌های مختلفی چون: ذهنی و عینی، فردی و اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، عاطفی، اجتماعی تقسیم‌بندی نمود (قنبری‌برزیان و بیات، ۱۳۹۸: ۴۶). از طرفی بر اساس نظریه پارسونز^۱، امنیت را می‌توان دارای چهار بُعد تعریف نمود که این ابعاد مستقیماً با وضعیت جامعه در ارتباط هستند: امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی، امنیت حقوقی و قانونی و امنیت فرهنگی؛ که اختلال در هر یک از این ابعاد باعث ایجاد ناامنی و نابسامانی در جامعه می‌شود (بخشنده‌زحمتی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۶). در تحقیق حاضر، احساس امنیت منطبق با دیدگاه نظریه پردازان مکتب کپنهاگ^۲ ارجاع به بُعد ذهنی امنیت است. در بیانی جامع، در بُعد عینی، امنیت به معنای در امان بودن ارزش‌ها و در بُعد ذهنی، به معنای عدم احساس نگرانی از تهدید علیه ارزش‌هاست (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۴).

در ارتباط با این مبحث، گیدنز^۳ با طرح مفهوم امنیت وجودی به عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد زیست انسان، عنوان می‌کند که احساس امنیت و عوامل زمینه‌ساز آن ضرورتی بنیادین برای بر ساخت امنیت وجودی در جامعه و در میان کنشگران اجتماعی است. لازم به ذکر است علاوه بر نظریه اریکسون^۴ در ارتباط با ریشه‌داشتن ترس و ناامنی در کودکی، گیدنز امنیت وجودی را پدیده‌ای احساسی و عاطفی در نظر می‌گیرد و از این رو، نیاز به داشتن امنیت هستی‌شناختی را یک خواست درونی معنا می‌نماید. در چنین تعبیری، امنیت ذهنی به معنای داشتن آرامش خیال در انجام فعالیت‌های روزمره در کنار افراد امن است. در چنین متنی، به شکل خاص و با نگاهی انتقادی به مدرنیته، گیدنز یکی از مهم‌ترین علل احساس ناامنی زنان را غلبه فرهنگ مادی‌گرایی مدرنیته برمی‌شمارد. بدین ترتیب، نتیجه

1. Parsons.T
2. Copenhagen
3. Giddens
4. Erikson

می‌گیرد که مدرنیته هم از نظر ساختاری و هم شناختی تأثیر منفی بر امنیت زنان داشته است. در این ارتباط از نظر شناختی، مدرنیته با پررنگ‌تر کردن تبعیض‌های جنسیتی فضای امنیت زنان را متأثر گرداند و از نظر ساختاری، فعالیت زنان همراه با مردان را در یک محیط مشترک با چالش‌هایی حاصل از برجستگی کلیشه‌های جنسیتی مردانگی و زنانگی مواجه ساخت (احمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۸۸ و ۱۸۹).

بوزان^۱ در پرداختن به احساس امنیت بر عوامل تهدیدکننده امنیت اجتماعی تأکید می‌کند؛ عواملی مانند: محدودیت در زبان و یا یک گویش، حق انتخاب پوشش، آزادی اعتقادات مذهبی، آزادی بیان، برگزاری مراسمات دینی و آموزشی و همچنین واکنش خشونت‌آمیز به اعتراضات. در واقع، از نظر بوزان، امنیت اجتماعی وظیفه پاسداری از ویژگی‌های مشترک و خاص یک اجتماع را دارد. به بیانی دیگر، امنیت اجتماعی یعنی توانایی گروه‌های مختلف صنفی، قومی، محلی، جنسی و ... در حفظ هویت خود. به عقیده او هویت از اساسی‌ترین مقوله‌های جامعه است؛ یعنی عواملی که سبب می‌شوند یک شخص خود را عضوی از یک اجتماع بداند (بنی فاطمه و سلیمی، ۱۳۹۲: ۶۲). بنابراین هرگونه تهدید هویتی می‌تواند به شکلی آسیب‌زا احساس امنیت فرد و جامعه را به خطر بیندازد. بدین ترتیب، می‌توان بیان کرد که امنیت اجتماعی به عنوان ملاکی برای سنجش کارایی حکومت‌ها نقش مهمی در ایجاد حس همدلی، همکاری، انسجام و وفاق اجتماعی (رادفر و حبیبزاده، ۱۳۹۷: ۵۹)، و در نتیجه افزایش احساس امنیت در جامعه دارد.

این موضوع به ویژه در فضای شهری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در زیست شهری، احساس امنیت حالتی است که در آن علاوه بر نیازهای مادی، نیازهای معنوی اشخاص نیز برطرف شود و شخص در آن جامعه احساس مفیدبودن، اطمینان خاطر و اعتماد به نفس را داشته باشد. جهت برقراری نظم و امنیت در شهرها علاوه بر فعالیت مجریان قانون، نیازمند مشارکت و همکاری شهروندان نیز هستیم (حسینی نصرآبادی و ناروقه، ۱۳۹۸: ۱۲۴) که این مهم، بدون وجود سطح قابل قبول از احساس امنیت در میان شهروندان غیر قابل دسترس است. چنین دیدگاهی ضرورت نگاهی سیستماتیک به ابعاد عینی امنیت را خاطر نشان می‌سازد. همچنان که میتار^۲ با اتخاذ رویکردی سیستماتیک و در نظر گرفتن نظریه آنارشی اجتماعی بایلی، سطح کیفی امنیت^۳ را تابعی از متغیرهای جمعیت، اطلاعات، فضا، تکنولوژی و سازمان، تعریف می‌نماید: $L=F(P,I,S,T,O)$ ^۴ بر اساس این معادله می‌توان اذعان داشت که هرچه افزایش تعداد افراد، میزان دسترسی به اطلاعات، وسعت سرزمینی، دسترسی به تکنولوژی و سازماندهی در یک جامعه بیشتر باشد، امنیت آن اجتماع نیز افزایش می‌یابد (احمدی و اسمعیلی، ۱۳۸۹: ۱۷۲-۱۷۳).

با توجه به ادبیات نظری ارائه شده، در تحقیق حاضر با چارچوب نظری مبتنی بر سه نظریه فشار عمومی^۵ آگنیو^۶، کنترل اجتماعی^۷ هیرشی^۸، و نظریه آسیب‌پذیری اجتماعی طرح‌ریزی شده است. مبتنی بر دیدگاه آگنیو، حس ناامنی در جامعه را می‌توان پیامد رفتارهای انحرافی منتج از فشارهایی بیرونی بر فرد در نظر گرفت، فشارهایی که سبب افزایش کج‌روی و نابهنجاری رفتاری در اجتماع می‌شوند. بر

1. Barry Buzan

2. Mitar.M

3. level of quality of security

4. Population, Information, Space, Tecnology, Organization

5. General strain theory

6. Robert Agnew

7. social control theory

8. Travis Hirschi

اساس این نظریه، یکی از متغیرهای ایجادکننده فشار را می‌توان درک افراد از موقعیت اجتماعی و اقتصادی خویش لحاظ نمود که هم بر میزان احساس امنیت آنها تأثیرگذار است و هم با افزایش نرخ انحرافات اجتماعی سبب آسیب به احساس امنیت در جامعه می‌شود (دسترنج و قنبری، ۱۳۹۸: ۱۴۱). همچنین فشارهای هنجاری همچون نگرش به وضعیت تأهل نیز در میان زنان می‌تواند یک متغیر تبیین‌کننده احساس امنیت باشد. در تکمیل این نگاه باید نقش کنترل‌های اجتماعی را نیز مد نظر داشت. در واقع، فرد به شکلی رهاسده در جامعه وجود ندارد و همواره کنترل‌های عینی و ذهنی به شکل‌های رسمی و غیررسمی رفتار او را تحت کنترل دارند و این خود در مدیریت فشارهای عمومی جهت هم‌نوا شدن با جامعه نقش بسیار مؤثری خواهد داشت.

در زمینه کنترل‌های اجتماعی، تراویس هیرشی^۱ از نظریه‌پردازان این مکتب معتقد است که کج‌روی و بروز رفتارهای نابهنجار دلیل بر کم‌رنگ شدن تعلق فرد به جامعه است و از این رو ارتباط با سایر افراد، پذیرش و فعالیت در نقش‌ها، اعتقاد به ارزش‌های جامعه می‌تواند با افزایش همبستگی ضمن مدیریت نرخ جرایم و بزهکاری‌ها، سبب افزایش احساس امنیت در فرد شود (نوروزی و فولادی‌سپهر، ۱۳۸۸: ۱۳۵-۱۳۶). در این دیدگاه، احساس امنیت تابعی از نظم اجتماعی تعریف می‌شود، نظمی که خود تابع کنترل‌های رسمی و غیررسمی در جامعه است. البته باید به این نکته مهم دقت داشته باشیم که کنترل‌های اجتماعی در صورتی نقش مثبت در احساس امنیت کنشگران خواهند داشت که در تقابل با حوزه خصوصی فرد قرار نگیرند.

در همین ارتباط، برایم^۲ احساس امنیت را تابعی از درک رهایی فرد یا مصونیت او از نظارت‌های مداخله‌جویانه دولت‌ها در زندگی شخصی تعریف می‌نماید. او معتقد است امنیت اجتماعی بر ایجاد امنیت در حمل‌ونقل، امنیت تماس تلفنی و امنیت الکترونیک دلالت دارد. از نظر برایم امنیت یعنی عدم‌نگرانی از تهدیدات. او عقیده دارد جهت برقراری امنیت اجتماعی باید تمام نیروهای انتظامی و اجرایی یک کشور فعال باشند. همچنین همکاری و رعایت قانون از طرف افراد جامعه و نیروهای پلیس سبب ایجاد و تقویت امنیت اجتماعی می‌شود (بخشنده‌زحمتی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۵).

از طرفی در تکمیل دیدگاه‌های ساختاری ارائه شده، عوامل فردی مرتبط با احساس امنیت، اغلب با نظریه آسیب‌پذیری^۳ در ارتباط هستند، به نحوی که کنش‌گران اجتماعی مبتنی بر توانمندی‌های فردی و درک از خطر، می‌توانند احساس نگرانی و ناامنی را تجربه کنند (عربی، ۱۳۹۰، ۴۴). اسکوگان و مکسفیلد^۴ (۱۹۸۱) برای اولین بار مفهوم آسیب‌پذیری را وارد ادبیات نظری مطالعات مرتبط با جرم نمودند. پس از ایشان وار و استافورد^۵ (۱۹۸۳)، احساس ناامنی حاصل از مورد جرم واقع شدن را به عنوان تعاملی بین حساسیت به احتمال خطر و پیامدهای شدید آن آزمون کردند. در ادامه کیلیز^۶ (۱۹۹۰)، احساس نگرانی حاصل از تصور عواقب مورد جرم واقع شدن را با تأکید بر فقدان کنترل فردی، مورد مطالعه قرار داد و بر ادراک آسیب‌پذیری به عنوان یک متغیر تبیین‌کننده احساس نگرانی تأکید نمود (مک‌کرا

1. Hirschi.T
2. Brimmer
3. Vulnerability Hypothesis
4. Skogan & Maxfield
5. Warr & Stafford
6. Killias

و همکاران، ۲۰۰۵: ۹-۱۰). با توجه به مباحث نظری ارائه شده در این مطالعه برای بررسی احساس امنیت زنان شهر هفتکل، شش فرضیه زیر را مورد آزمون قرار خواهیم داد:

- ۱) احساس امنیت اجتماعی زنان بر حسب سطح تحصیلات آن‌ها متفاوت است؛
- ۲) احساس امنیت اجتماعی زنان بر حسب قومیت آن‌ها متفاوت است؛
- ۳) احساس امنیت اجتماعی زنان بر حسب وضعیت اقتصادی آن‌ها، تفاوت دارد؛
- ۴) احساس امنیت اجتماعی زنان بر حسب وضعیت تأهل آن‌ها، تفاوت دارد؛
- ۵) بین کنترل اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه وجود دارد؛
- ۶) بین درک از آسیب‌پذیری و احساس امنیت زنان رابطه وجود دارد.

روش و داده‌های تحقیق

پژوهش حاضر مبتنی بر رویکرد کمی و روش پیمایش اجتماعی طراحی شده است. پیمایش، روشی رایج در مطالعات کمی برای رجوع به واقعیت است (ساعی، ۱۳۸۷: ۱۳۳) که متناسب با جامعه آماری بزرگ مورد مطالعه در آن، محقق سعی بر جمع‌آوری داده‌ها از تعداد محدودی به عنوان نمونه آماری دارد (ایمان، ۱۳۸۸: ۱۲۴). در چنین روشی با اطمینان بالایی می‌توان یافته‌های آن را به جامعه آماری مورد مطالعه تعمیم داد (گیدنز، ۱۳۸۶: ۷۲۸) و این مهم‌ترین وجه تمایز تحقیق پیمایشی در مقایسه با سایر روش‌های تحقیق می‌باشد (ازکیا، ۱۳۸۹: ۳۳۳). نکته مهم در پیمایش اجتماعی، حجم لازم برای نمونه‌گیری است زیرا نمونه باید معرف جامعه باشد (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۵: ۴۶).

با توجه به نتایج آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۵، تعداد زنان ۱۵ تا ۶۵ سال هفتکل برابر با ۱۵۸۰۲ نفر بوده است که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۷۵ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. داده‌های مورد نیاز با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای^۱ و ابزار پرسش‌نامه جمع‌آوری شده است. این نمونه‌گیری برای مناطق وسیع به کار گرفته می‌شود (رفیع‌پور، ۱۳۸۴: ۳۸۸). در این روش، نمونه نهایی با انتخاب چندین نمونه مختلف به گونه‌ای انجام می‌شود که هزینه به حداقل برسد (دواس، ۱۳۸۷: ۷۴). بدین منظور ابتدا با توجه به نقشه شهری هفتکل، در مرحله اول از میان مناطق شهری، سه منطقه فرهنگی، مهرآباد و پالایشگاه به عنوان نماینده سه منطقه برخوردار، نیمه‌برخوردار و کمتر برخوردار انتخاب شدند و سپس با در نظر گرفتن حجم نمونه، پرسش‌نامه‌هایی مبتنی بر تعداد مورد نیاز در محله‌های این مناطق توزیع و جمع‌آوری شدند.

لازم به ذکر است متغیرهای مورد سنجش با استفاده از پرسش‌نامه‌های مورد استفاده در پژوهش‌های پیشین عملیاتی شده‌اند. در این ارتباط، گویه‌های متغیر احساس امنیت از پژوهش همت (۱۳۹۱)، گویه‌های متغیر ادراک کنترل اجتماعی از پژوهش صنعت‌خواه (۱۳۹۷)، و گویه‌های آسیب‌پذیری اجتماعی زنان از پژوهش عربی (۱۳۹۱) استخراج شده است.

1. Multistage Cluster Sampling

یافته‌ها

(۱) یافته‌های توصیفی

در ابتدا آمار توصیفی از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی متناسب با موضوع تحقیق (تحصیلات، قومیت، تأهل و وضعیت اقتصادی)، ارائه می‌شود. همچنان که در جدول ۱ قابل مشاهده است از مجموع ۳۷۶ پاسخگو، ۱/۱ درصد پاسخگویان بی‌سواد، ۱/۳ درصد ابتدایی، ۶/۶ درصد راهنمایی، ۱۹/۷ درصد دیپلم، ۲۳/۷ درصد کاردانی، ۲۷/۹ درصد کارشناسی، ۵/۹ درصد کارشناسی ارشد، ۰/۸ درصد دکتری و ۰/۳ درصد دارای تحصیلات حوزوی هستند. نکته قابل تأمل در این جدول آن است که بیش از ۵۷ درصد از زنان، تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند که در این میان مدرک کارشناسی با حدود ۲۸ درصد بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است.

جدول ۱- توزیع فراوانی متغیر قومیت در نمونه آماری

متغیر	ابعاد	فراوانی	درصد	جمع کل
تحصیلات	بی‌سواد	۴	۱/۱	۳۷۶
	ابتدایی	۵	۱/۳	
	راهنمایی	۲۵	۶/۶	
	دیپلم	۷۴	۱۹/۷	
	کاردانی	۸۹	۲۳/۹	
	کارشناسی	۱۰۵	۲۷/۹	
	ارشد	۲۲	۵/۹	
	دکترا	۳	۰/۸	
	حوزوی	۱	۰/۳	
قومیت	عرب	۳۹	۱۰/۴	۳۷۶
	لر	۱۷۱	۴۵/۵	
	ترک	۱۱۴	۳۰/۳	
	فارس	۴۴	۱۱/۷	
	سایر	۸	۲/۱	
وضعیت ازدواج	متاهل	۱۷۱	۴۵/۴	۳۷۶
	مجرد	۱۷۲	۴۵/۸	
	مطلقه	۱۸	۴/۸	
	بیوه	۱۵	۴	
وضعیت اقتصادی	خیلی بد	۲۲	۵/۹	۳۷۶
	بد	۳۴	۹	
	متوسط	۲۰۰	۵۳/۲	
	خوب	۹۲	۲۴/۵	
	خیلی خوب	۲۸	۷/۴	

نگاهی به ردیف دوم جدول ۱ حاکی از توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب قومیت آنهاست. همچنان که در جدول قابل مشاهده است لرها با حدود ۴۵ درصد، پرجمعیت‌ترین گروه قومیتی در میان پاسخگویان بوده‌اند و پس از ایشان، ترک‌ها با ۳۰ درصد، فارس‌ها حدود ۱۲ درصد و عرب‌ها حدود ۱۰ درصد از جمعیت پاسخگویان را شامل شده‌اند.

وضعیت تأهل زنان در نمونه آماری، در ردیف سوم جدول ۱ نشان داده شده است. همچنان که قابل مشاهده است، افراد مجرد و متأهل هر یک با حدود ۴۵ درصد در مجموع بیش از ۹۰ درصد جمعیت نمونه را شامل شده‌اند. نگاهی به سایر داده‌ها حاکی از آن است که حدود ۴/۸ درصد زنان طلاق گرفته و ۴ درصد نیز زنانی که شوهرشان فوت کرده است در میان پاسخگویان وجود داشته‌اند.

وضعیت اقتصادی نیز از دیگر متغیرهای مهم در تحقیق حاضر است. با توجه به ردیف چهارم ستون اول، در جدول ۱ مشاهده می‌کنیم که بیش از ۵۰ درصد پاسخ‌گویان به صورت خوداظهاری وضعیت اقتصادی خود را متوسط ارزیابی کرده‌اند. این در حالی است که حدود ۱۵ درصد ناراضی‌تی از وضعیت اقتصادی را با انتخاب گزینه‌های بد و خیلی بد ثبت نموده‌اند. در نقطه مقابل، حدود ۳۲ درصد نیز وضعیت اقتصادی خود را خوب و خیلی خوب ارزیابی نموده‌اند.

۲) یافته‌های استنباطی

جدول ۲ نتایج آزمون فرضیه‌های یک تا چهارم تحقیق را متناسب با سطح سنجش متغیرها نشان می‌دهد. همانگونه که قابل مشاهده است این جدول شامل نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه (آزمون F) برای متغیرهای مستقل ترتیبی و اسمی است که نتایج تمامی آزمون‌ها در جدول قابل مشاهده است. به شکل کلی، هر چهار فرضیه اصلی ثبت شده در جدول تأیید شده و نتایج حاکی از وجود رابطه معنادار بین متغیرهای مستقل (تحصیلات، وضعیت تأهل، وضعیت اقتصادی، قومیت) با میزان احساس امنیت درک شده در جامعه آماری تحقیق است. بنابراین می‌توان این ادعا را مطرح نمود که میانگین احساس امنیت در زنان به شکل معناداری با ویژگی‌هایی چون تحصیلات، قومیت، وضعیت اقتصادی و وضعیت تأهل رابطه دارد و این متغیرها می‌توانند به عنوان تبیین‌کننده واریانس احساس امنیت در جامعه زنان هفتکل مورد توجه قرار بگیرند.

جدول ۳ نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای فرضیه‌های پنج و شش پژوهش را نشان می‌دهد. نگاهی به میزان سطح معناداری در جدول حاکی از این واقعیت است که هر دو فرضیه تأیید شده‌اند و از این رو، می‌توان عنوان کرد که در جامعه آماری مورد مطالعه، رابطه معناداری بین متغیرهای کنترل اجتماعی و درک از آسیب‌پذیری با احساس امنیت زنان وجود دارد. همچنان که در جدول قابل مشاهده است، فرضیه شماره پنج که حاکی از وجود رابطه بین کنترل اجتماعی و احساس امنیت در زنان هفتکل بوده است با ضریب همبستگی ۰/۲۶۰ و سطح معناداری ۰/۰۰۱ تأیید شده است. با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی می‌توان عنوان نمود که ادراک زنان از وجود کنترل‌های اجتماعی سبب افزایش احساس امنیت در میان ایشان می‌شود.

جدول ۲- نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه متغیرهای تحصیلات، قومیت، وضعیت اقتصادی و وضعیت تأهل

سطح معناداری	مقدار آزمون	انحراف معیار	میانگین احساس امنیت	زیرگروه	فرضیه
.۰/۰۰۴	F= ۵/۷۰۴	۷/۹۰	۴۱/۶۵	زیر دیپلم	فرضیه اول: بین احساس امنیت اجتماعی زنان بر حسب تحصیلات، تفاوت وجود دارد.
		۷/۱۶	۴۳/۲۴	دیپلم	
		۷/۷۶	۴۲/۸۳	دانشگاهی	
.۰/۰۳۵	F= ۲/۹۰۴	۶/۸۳	۴۳/۶۸	لر	فرضیه دوم: بین احساس امنیت اجتماعی زنان بر حسب قومیت، تفاوت وجود دارد.
		۸/۵۷	۴۲/۸۰	ترک	
		۶/۷۹	۴۲/۱۸	فارس	
		۷/۳۴	۳۹/۸۷	عرب	
.۰/۰۲۰	F= ۳/۹۶	۶/۳۸	۴۳/۶۸	نامطلوب	فرضیه سوم: بین احساس امنیت اجتماعی زنان بر حسب وضعیت اقتصادی، تفاوت وجود دارد.
		۷/۲۸	۴۳/۶۵	متوسط	
		۸/۱۵	۴۱/۳۳	مطلوب	
.۰/۰۴۰	F= ۲/۸۰۷	۷/۷۶	۴۳/۱۹	متأهل	فرضیه چهارم: بین احساس امنیت اجتماعی زنان بر حسب وضعیت تأهل، تفاوت وجود دارد.
		۷/۱۰	۴۳/۲۶	مجرد	
		۶/۳۰	۴۱/۱۳	بیوه	
		۸/۴۹	۳۸/۲۷	طلاق	

جدول ۳- آزمون همبستگی پیرسون متغیرهای فاصله‌ای

معناداری	ضریب همبستگی	احساس امنیت	فرضیه
.۰/۰۰۱	.۰/۲۶۰	کنترل اجتماعی	فرضیه پنجم: بین کنترل اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه وجود دارد.
.۰/۰۰۱	-۰/۵۹۲	درک از آسیب‌پذیری	فرضیه ششم: بین درک از آسیب‌پذیری و احساس امنیت رابطه وجود دارد.

همچنین فرضیه شماره شش که بیانگر رابطه بین درک از آسیب‌پذیری و احساس امنیت می‌باشد نیز با توجه به سطح معناداری ۰/۰۰۱ تأیید شده است. نگاهی به ضریب همبستگی حاصل شده (۰/۵۹۲-)، حاکی از این واقعیت است که احساس آسیب‌پذیری در زنان سبب کاهش احساس امنیت در میان ایشان می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پیش از پرداختن به تبیین نتایج آزمون فرضیه‌ها لازم به ذکر است که میانگین احساس امنیت در جامعه آماری مورد مطالعه، برابر با ۴۲/۹ محاسبه شد. این میزان با توجه به میانگین نظری این سازه که با توجه به تعداد ۱۶ گویه و مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت برابر با ۴۸ می‌شود در سطح متوسط رو به پایین قرار دارد که این خود ضرورت پرداختن سیستماتیک به این موضوع را برجسته می‌کند تا در سطح سیاست‌گذاری‌های اجتماعی به این مهم پرداخته شود. اما همچنان که در جدول‌های ۵ و ۶ قابل مشاهده بود، تمامی فرضیه‌های تحقیق تأیید شدند. نگاهی دقیق به این یافته‌ها حاکی از این واقعیت است که تحصیلات دانشگاهی می‌تواند سبب افزایش معنادار میانگین احساس امنیت در میان زنان شود که این یافته با نتایج یافته‌های حاتمی و همکاران (۱۳۹۴)، همت (۱۳۹۱) و نوملی (۱۳۹۰) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت با افزایش آگاهی و سطح تحصیلات، نگرش افراد تغییر کرده و در شرایط مختلف می‌توانند عملکرد مناسب‌تر و هنگام مواجهه با احساس ناامنی و ترس تصمیمات مطلوب و کاراتری را به کار گیرند.

تعلق قومیت نیز به عنوان یک متغیر نقش معناداری در ادراک زنان از احساس امنیت دارا می‌باشد، این یافته نیز با یافته‌های نتایج پژوهش صیدی و قاسم‌نژاد (۱۳۹۹) و حاتمی و همکاران (۱۳۹۴) همسو است. برای تبیین این فرضیه با نگاهی به نظریه همبستگی اجتماعی دورکیم می‌توان عنوان نمود که درک از هژمونی جمعیتی در شهر می‌تواند سبب کاهش فشارهای عمومی استرس‌زا مطرح در نظریه فشار عمومی آگیو شود. در واقع، وجود همدلی، انسجام و همبستگی زمینه ساز پیشرفت است و افراد به علت سرمایه اجتماعی حاصل از تراکم تعاملات با قوم خود در شرایط سخت، احساس حمایت بیشتری دارند، در نتیجه کمتر احساس ناامنی می‌کنند. رابطه معنادار وضعیت تأهل با احساس امنیت نیز همسو با یافته‌های دسترنج و قنبری (۱۳۹۹)، صیدی و قاسم‌نژاد (۱۳۹۹) حاکی از اهمیت مدیریت فشارهای هنجاری بر زنان مطلقه است. همچنان که مشاهده می‌شود بیشترین احساس ناامنی توسط زنان مطلقه گزارش شده است که بیش از سایر گروه‌ها (متاهل‌ها، مجرد‌ها و بیوه‌ها)، تحت تأثیر فشارهای هنجاری هستند. رابطه میان وضعیت اقتصادی و احساس امنیت نیز مطابق با یافته‌های احمدی و همکاران (۱۳۹۵) و بخشنده و همکاران (۱۳۹۹)، لهسایی‌زاده و همکاران (۱۳۹۲)، هرچند معنادار بوده است اما در تقابل با آنها قرار داشته است.

نگاهی به میانگین احساس امنیت حاکی از آن است که زنانی با وضعیت اقتصادی مطلوب احساس امنیت کمتری را تجربه می‌نمایند. چنین وضعیت حاکی از فضای آنومیک حاکم بر شهر است که با افزایش نرخ سرقت، افراد برخوردار را در خطر بیشتری قرار می‌دهد. اما متغیر کنترل اجتماعی نیز نقش مثبت و معناداری در میزان احساس امنیت زنان دارد. این یافته، همسو با یافته‌های شارع‌پور و همکاران (۱۳۹۱)، یاری و هزارجریبی (۱۳۹۱)، صیدی و قاسم‌نژاد (۱۳۹۹)، حاکی از این واقعیت است که درک وجود مؤثر کنترل‌های اجتماعی در جامعه سبب افزایش احساس امنیت در زنان می‌شود. در واقع، این یافته، همسو با فرضیه درک از آسیب‌پذیری زنان نیز قابل تبیین است که همسو با یافته‌های عربی (۱۳۹۰) و صنعت‌خواه (۱۳۹۷)، رابطه منفی و معناداری با احساس امنیت در میان زنان داراست. وجود

کنترل‌های رسمی در جامعه و درک مثبت از حضور پلیس و حمایت‌های عرفی می‌تواند سبب بر ساخت نگرش امنیت و فقدان اضطراب جهت حضور در فضای عمومی شهر برای زنان باشد.

با توجه به آنچه مورد بحث واقع شد، ضرورت دارد تا به لحاظ پژوهشی تحقیقات بیشتری به ویژه با رویکرد کیفی در شهر هفتکل در ارتباط با عوامل جامعه‌شناختی احساس امنیت زنان صورت پذیرد. البته این مهم باید برای تمامی مناطق شهری با توجه به نقش بسیار پررنگ متغیرهای زمینه‌ای مدنظر قرار گیرد. همچنین پرداختن به وضعیت معماری شهری و کنترل‌های رسمی در شهر به نحوی که مبتنی بر درک زنان از امنیت شهری و فضای محافظت شده باشد از اهمیت بسیاری برخوردار است. به عبارت دیگر، طراحی محیط شهری مبتنی بر زیبایی‌شناسی و مباحث کنترل اجتماعی باید با توجه به درک و تجربه زنان از احساس امنیت، مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرند. همچنین با توجه به این که تحصیلات می‌تواند از یک سو زنان را نسبت به مدیریت حس آسیب‌پذیری خویش آگاه سازد و از سوی دیگر ایشان را برای حضور در عرصه اقتصاد توانمند کند، دولت و نهادهای ذیربط می‌بایست شرایط دسترسی به آموزش با کیفیت را به ویژه در مناطق دور از مرکز برای زنان فراهم نماید.

منابع

- احمدی، آرمان؛ عباسی چری، رضا؛ احمدی، کاروان (۱۳۹۵). بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: زنان ۱۵ تا ۲۹ سال شهرستان کامیاران)، *مطالعات امنیت اجتماعی*، شماره ۴۶: ۲۰۶-۱۸۳.
- احمدی، یعقوب؛ اسمعیلی، عطا (۱۳۸۹). سنجش احساس امنیت زنان مبتنی بر عوامل چندبعدی و میان رشته‌ای در شهر مشهد، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲: ۱۶۹-۱۹۰.
- ازکیا، مصطفی و علیرضا دربان‌آستانه (۱۳۸۹). *روش‌های کاربردی تحقیق*، (جلد اول)، تهران: کیهان.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۸۸). *مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بخشنده‌زحمتی، سمیه؛ بهیان، شاپور؛ حقیقتیان، منصور (۱۳۹۸). مقایسه احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر تهران، *پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی*، ۱۳(۴۹): ۱۱۵-۱۴۰.
- بنی‌فاطمه، حسین؛ سلیمی، آمنه (۱۳۹۰). احساس امنیت اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن، *مطالعات جامعه‌شناسی*، شماره ۱۲: ۵۹-۷۷.
- حاتمی، علی؛ احمدی، بختیار؛ اسمعیلی، عطا (۱۳۹۴). بررسی عوامل مرتبط با میزان احساس امنیت اجتماعی شهروندان مورد مطالعه زنان شهر کرمانشاه، *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۳: ۱۰۳-۱۲۱.

حسینی نصرآبادی، نرجس‌السادات؛ ناروقه، نعمت‌اله (۱۳۹۸)، تبیین و تحلیل افزایش امنیت اجتماعی در پرتو بکارگیری سیستم نظارت هوشمند، *انتظام اجتماعی*، ۱: ۱۴۲-۱۱۹.

حیدری ساربان، وکیل؛ صائب، شراره (۱۳۹۸)، تبیین رابطه عدالت اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی ساکنان مناطق روستایی شهرستان اردبیل، *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۳۶: ۸۲-۶۷.

دسترنج، منصوره؛ قنبری، سمیه (۱۳۹۹). بررسی وضعیت احساس امنیت اجتماعی و عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر آن در بین جوانان شهر لار، *امنیت ملی*، ۳۵: ۱۵۴-۱۳۱.

دواس، دی. ای (۱۳۸۷). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، (ترجمه هوشنگ نایبی)، تهران: نشر نی.

رادفر، محمدرضا؛ حبیب‌زاده، اصحاب (۱۳۹۷). عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی، *انتظام اجتماعی*، ۲: ۸۴-۵۳.

رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۴). *کندوکاوها و پنداشته‌ها: مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

زارعان، منصوره؛ یارمحمد، قاسمی؛ صفریگی، شهرناز؛ چابکی، ام‌البنین (۱۳۹۹). رابطه مشارکت اجتماعی و احساس امنیت در زنان شهر ایلام، *مجله مطالعات زن و خانواده*، ۱۶: ۲۵۴-۲۱۵.

ساروخانی، باقر (۱۳۸۶). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، (جلد اول)، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ساعی، علی (۱۳۸۷). *روش تحقیق در علوم اجتماعی: با رهیافت عقلانیت انتقادی*، تهران: سمت.

سعیدآ، معصومه (۱۳۹۳). «بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی زنان ۴۵-۱۸ ساله تهران و راه‌های افزایش آن در میان آنها»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد علوم اجتماعی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.

شارع‌پور، محمد؛ تقوی، زینب؛ سلیمانی بشلی، محمدرضا (۱۳۹۱). بررسی جامعه‌شناختی احساس امنیت زنان در شهر آمل، *زن و مطالعات خانواده*، ۱۷: ۱۰۶-۹۱.

شبابی، مهرشاد؛ صفوی، حناهدسادات (۱۳۹۸). *نقش زنان در روند توسعه کشورهای اسلامی، مطالعات بنیادی و کاربردی جهان اسلام*، شماره ۲: ۷۵-۵۸.

صادقی ولنی، آرزو (۱۳۹۴). رابطه بین موقعیت محله و احساس امنیت اجتماعی زنان (مقایسه موردی دو محله ونک و سرآسیاب)، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، تهران، دانشگاه الزهرا (س).

صالحی، زهرا (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای شهری (مطالعه زنان ۱۵-۴۰ ساله شهر سبزوار)، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد مدیریت آموزشی، سبزوار، دانشگاه حکیم سبزواری.

صنعت‌خواه، علیرضا (۱۳۹۷). بررسی عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت زنان در شهر کرمان، *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۳: ۳۷-۶۴.

صیدی، علی و قاسم‌نژاد، غلام‌رضا (۱۳۹۹). مطالعه جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی (مورد مطالعه: زنان ۱۵ تا ۶۴ ساله شهر ایلام)، *پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده*، ۸ (۱) (پیاپی ۱۴): ۱۹۹-۲۱۶.

عربی، علی (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین ویژگی‌های فردی، ساختار محله‌ای و ترس از جرم، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز.

قاسملو، حسن؛ کریم‌زاده، حسین، محمدیگی سلخوری، مریم (۱۳۹۹). شناسایی عوامل مؤثر بر احساس امنیت زنان در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان خرقان غربی شهرستان آوج). *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، ۱۸ (۳): ۳۸۱-۴۰۶.

قنبری برزیان، علی؛ بیات، بهرام (۱۳۹۸). تبیین تأثیر راهبردی افکار عمومی بر احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی شهروندان اهوازی)، *مطالعات امنیت اجتماعی*، ۵۷: ۳۹-۷۱.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی*، (ترجمه منوچهر صبوری)، تهران: نشر نی.

لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی آبادان*. تهران: کیانمهر.

لهسایی‌زاده، عبدالعلی؛ هاشمی، سمیه؛ عربی، علی؛ روحانی، علی (۱۳۹۲). بررسی رابطه احساس امنیت و تمایل به سفرهای داخلی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران، *فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی-واحد شوشتر*، شماره ۲۰: ۱-۲۴.

مایانی، محدثه (۱۳۹۷). تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان دامغانی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد علوم اجتماعی-پژوهشگری، بیرجند، دانشگاه بیرجند.

نوروزی، فیض‌اله؛ فولادی سپهر، سارا (۱۳۸۸). بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۲۹-۱۵ ساله شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، *راهبرد*، ۵۳: ۱۵۹-۱۲۹.

نوملی، زینب (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر میزان احساس امنیت اجتماعی زنان ۱۵ سال به بالای شهر گرگان، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد علوم اجتماعی، کرمان، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

همت، صغری (۱۳۹۱). مطالعه عوامل فرهنگی اجتماعی مرتبط با احساس امنیت اجتماعی زنان (مطالعه موردی: زنان شهر شیراز)، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد مطالعات زنان، شیراز، دانشگاه شیراز.

یاری، حامد؛ هزار جریبی، جعفر (۱۳۹۱). بررسی رابطه احساس امنیت و اعتماد اجتماعی در میان شهروندان (مطالعه موردی ساکنان شهر کرمانشاه، *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۱ (۴): ۳۹-۵۸.

- Hadzhiyski, D. (2018). Psychology of personal security. *Diogenes*, 26(1), 26-38.
- Loukaitou-Sideris, A., & Fink, C. (2009). Addressing women's fear of victimization in transportation settings: A survey of US transit agencies. *Urban Affairs Review*, 44(4), 554-587.
- McCrea, Rod. Tung-Kai Shyy, John Western and Robert J. Stimson. (2005). "Fear of crime in Brisbane Individual, social and neighbourhood factors in perspective", *Journal of Sociology*, 40(1), 7-27.
- Mikulincer, M., & R Shaver, P. (2020). Enhancing the "Broaden and Build" cycle of attachment security in adulthood: from the laboratory to relational contexts and societal systems. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 17(6), 2054.

